

# خارج الفقہ

۴-۸-۱۴۰۴ فقه اکبر ۳

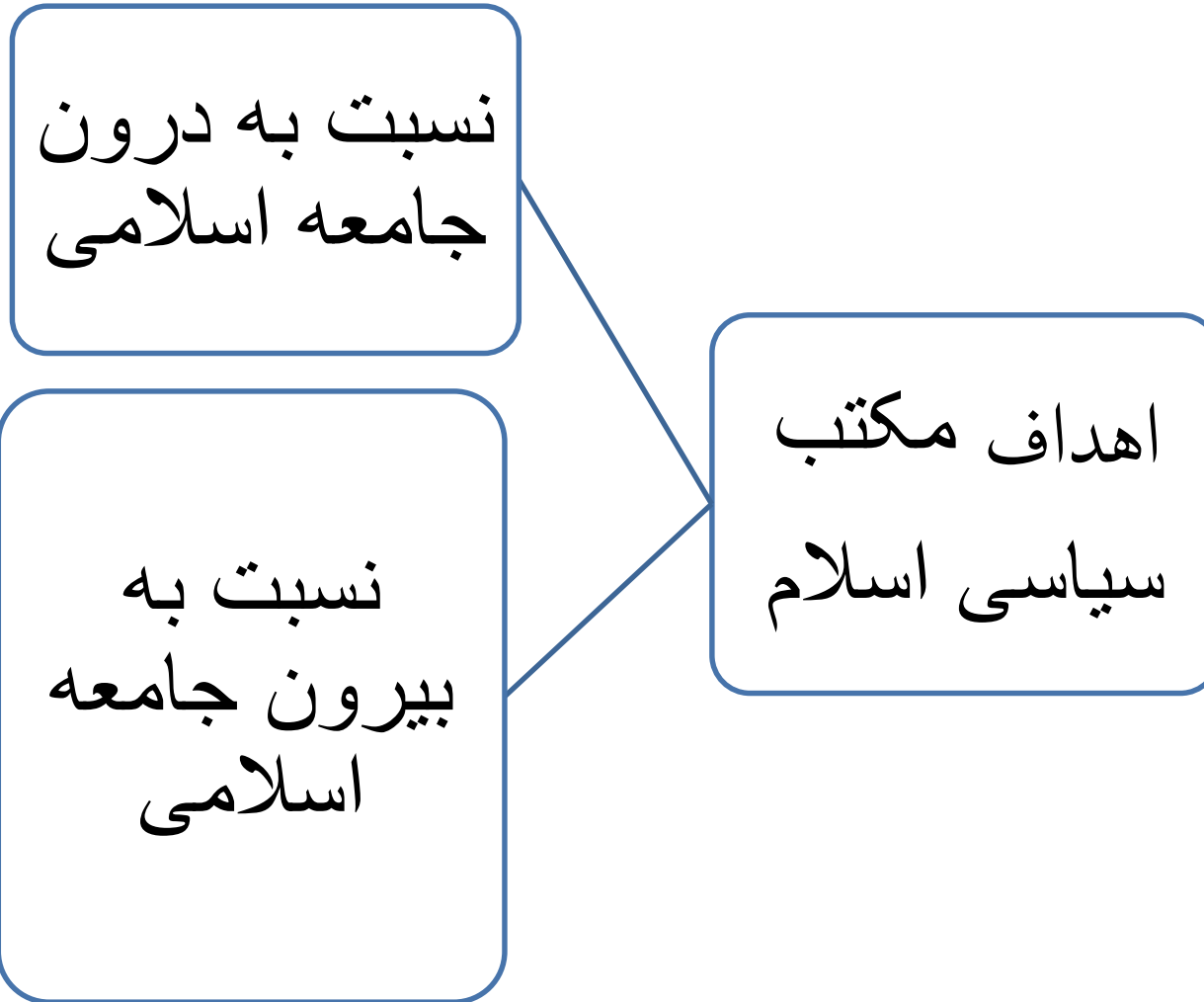
۱۹

(مکتب و نظام سیاسی اسلام)

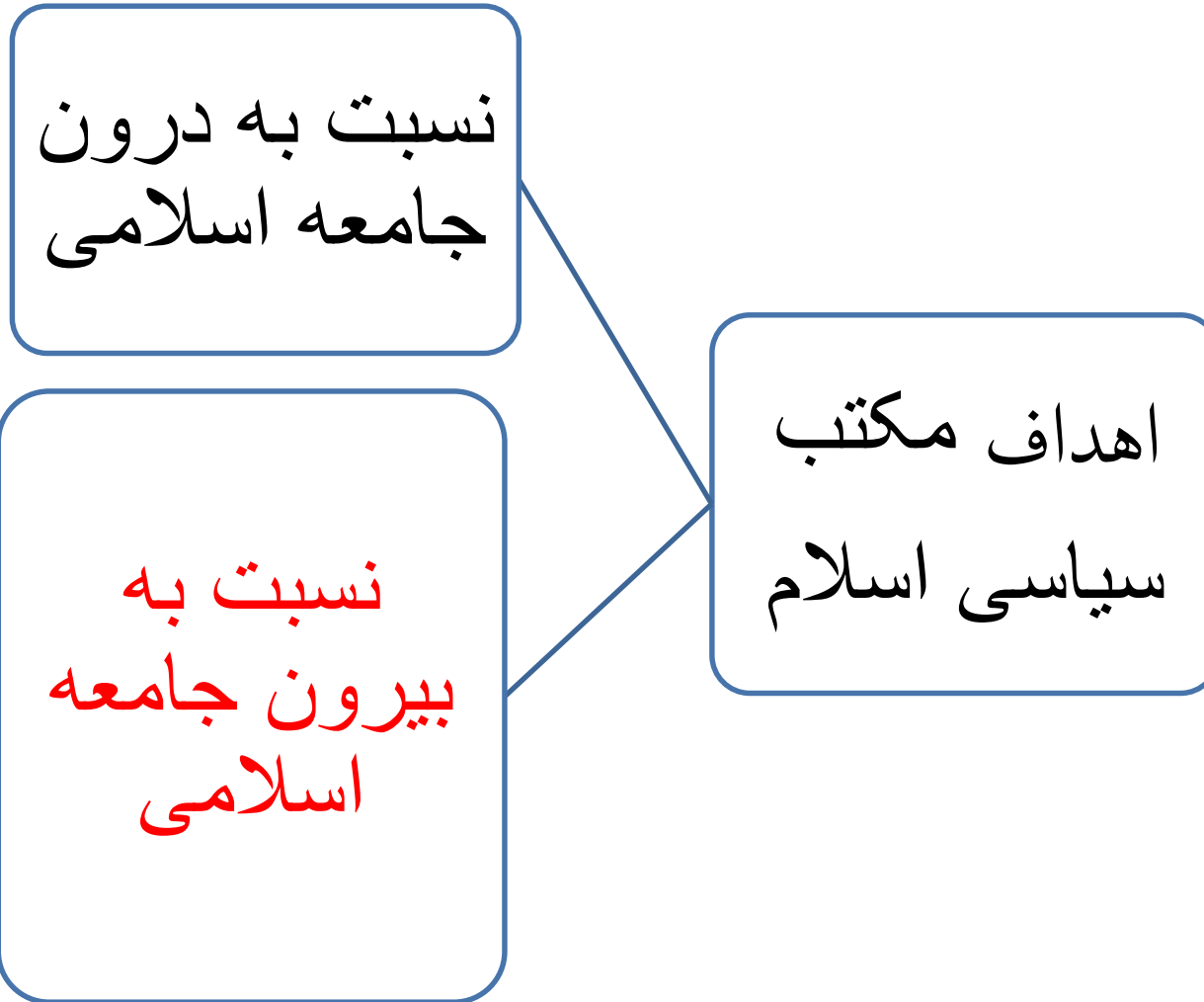
دراسات الاستاذ:

مهدي الهادي الطهراني

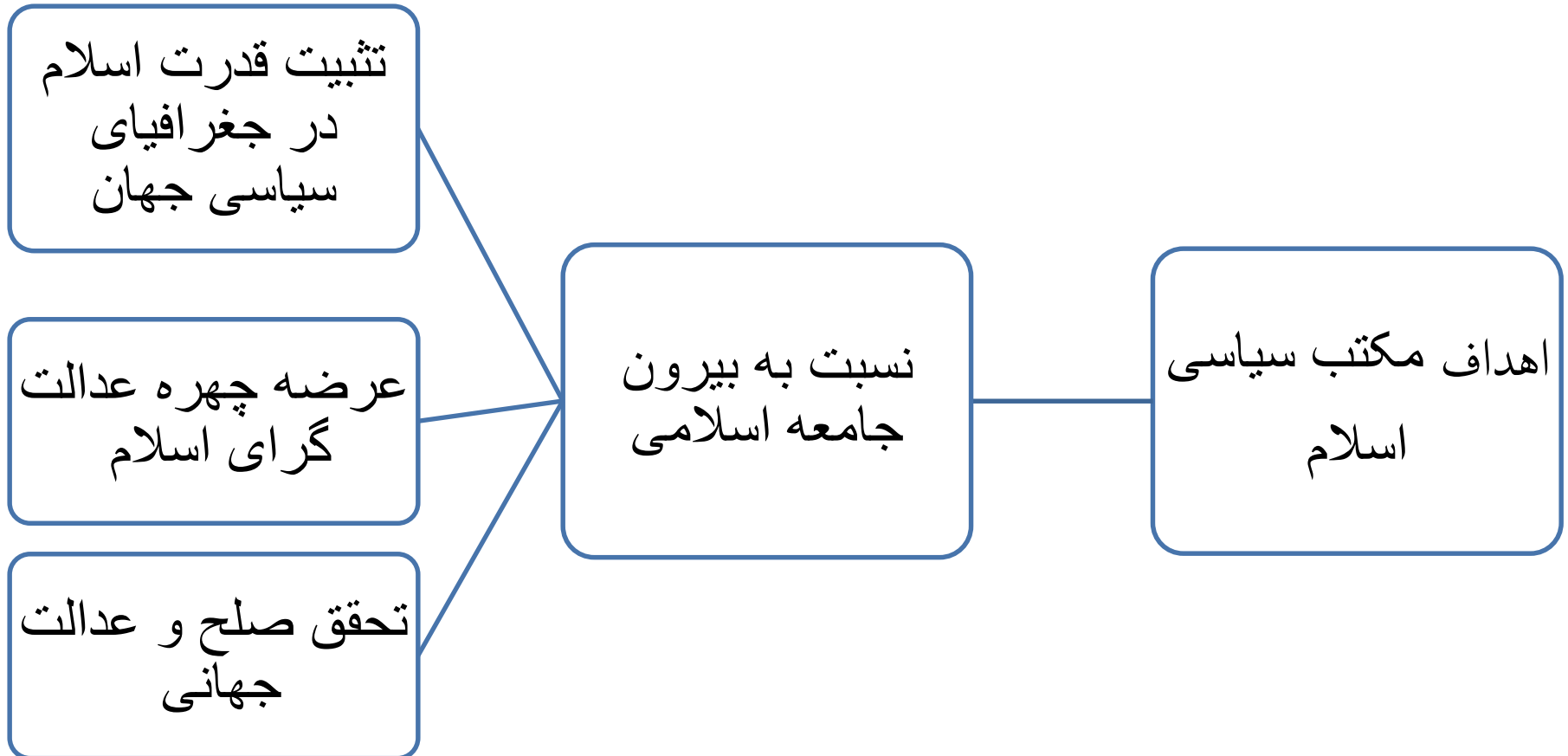
# اهداف مكتب سياسى اسلام



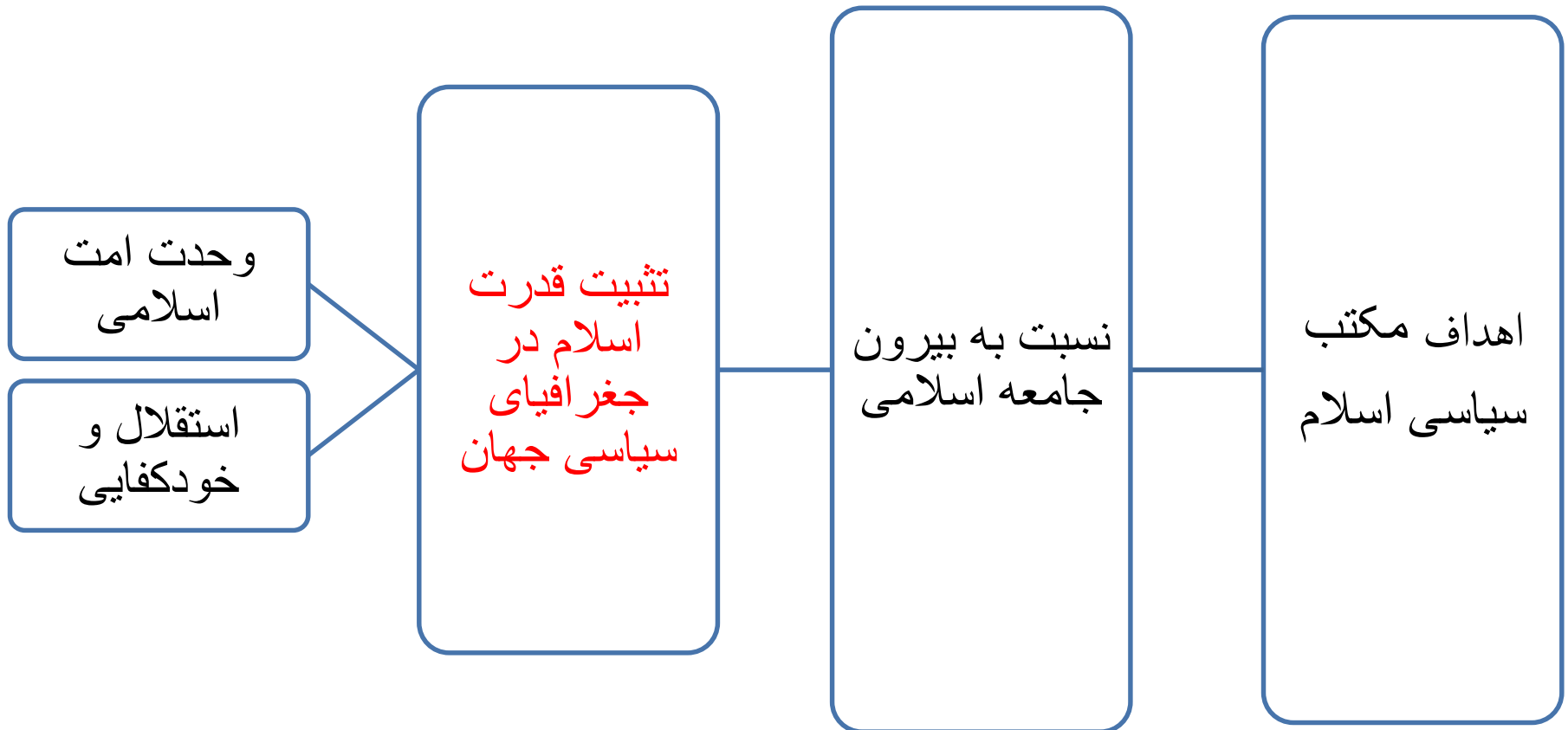
# اهداف مكتب سياسى اسلام



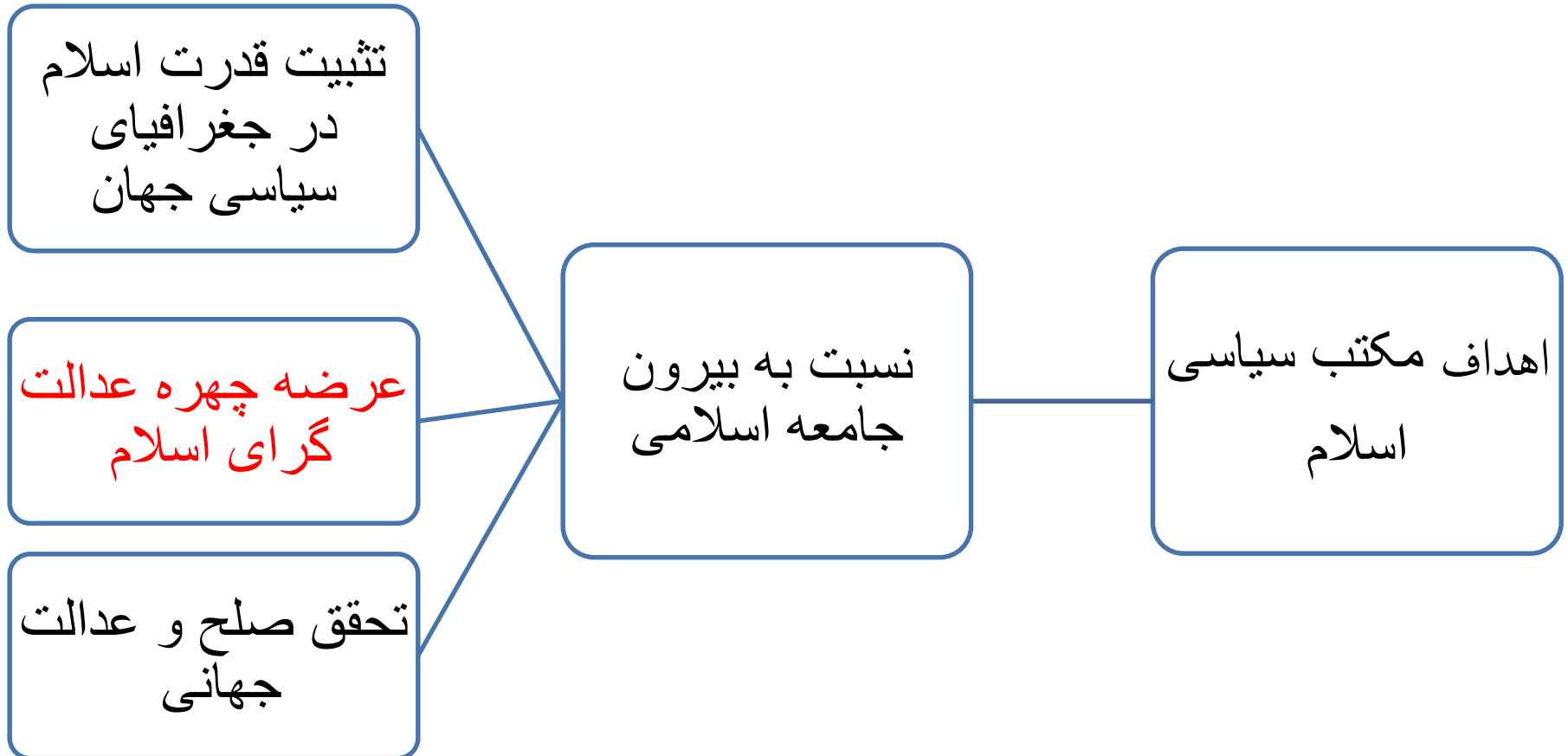
# اهداف مكتب سياسى اسلام



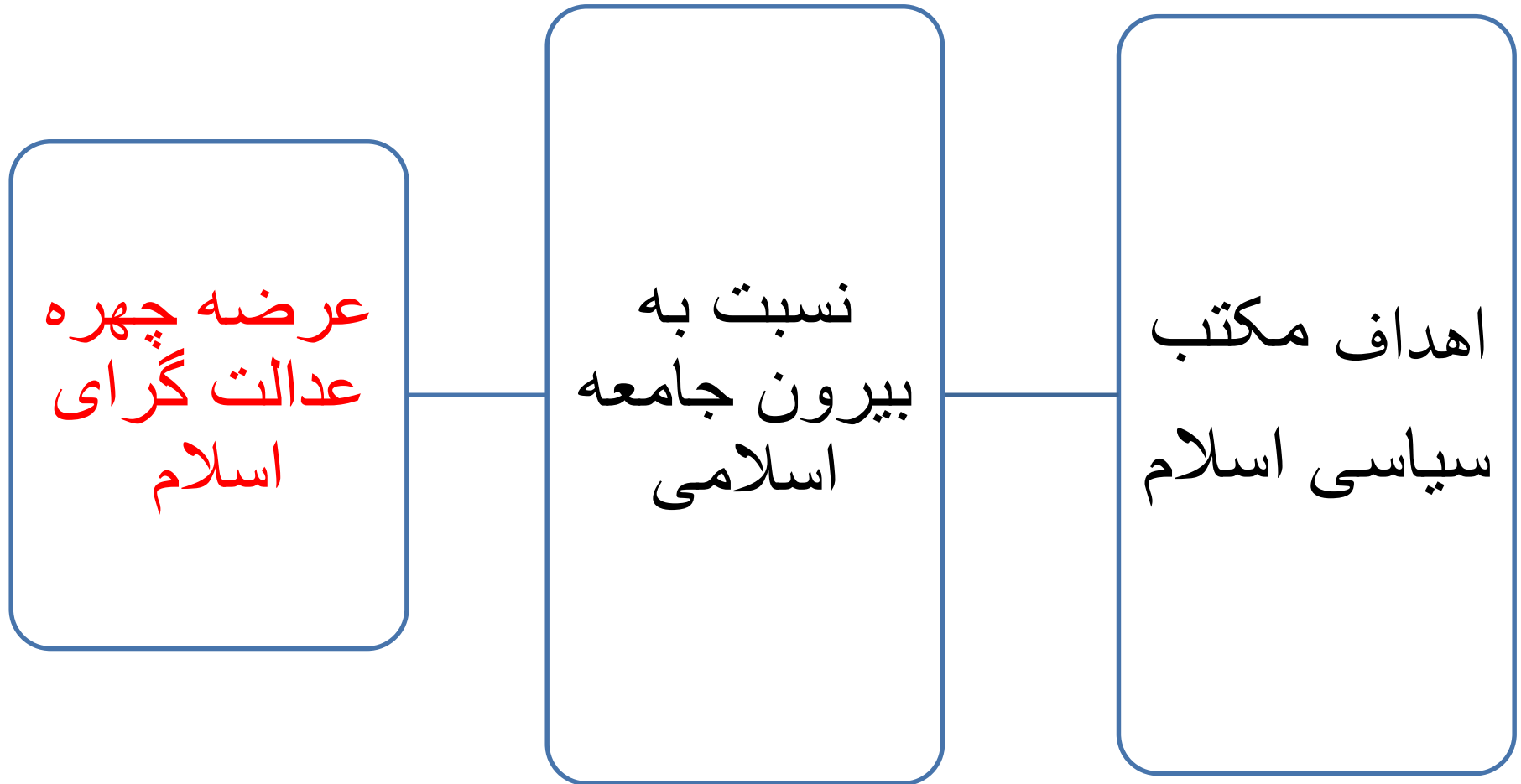
# اهداف مكتب سياسى اسلام



# اهداف مكتب سياسى اسلام



# اهداف مكتب سياسى اسلام



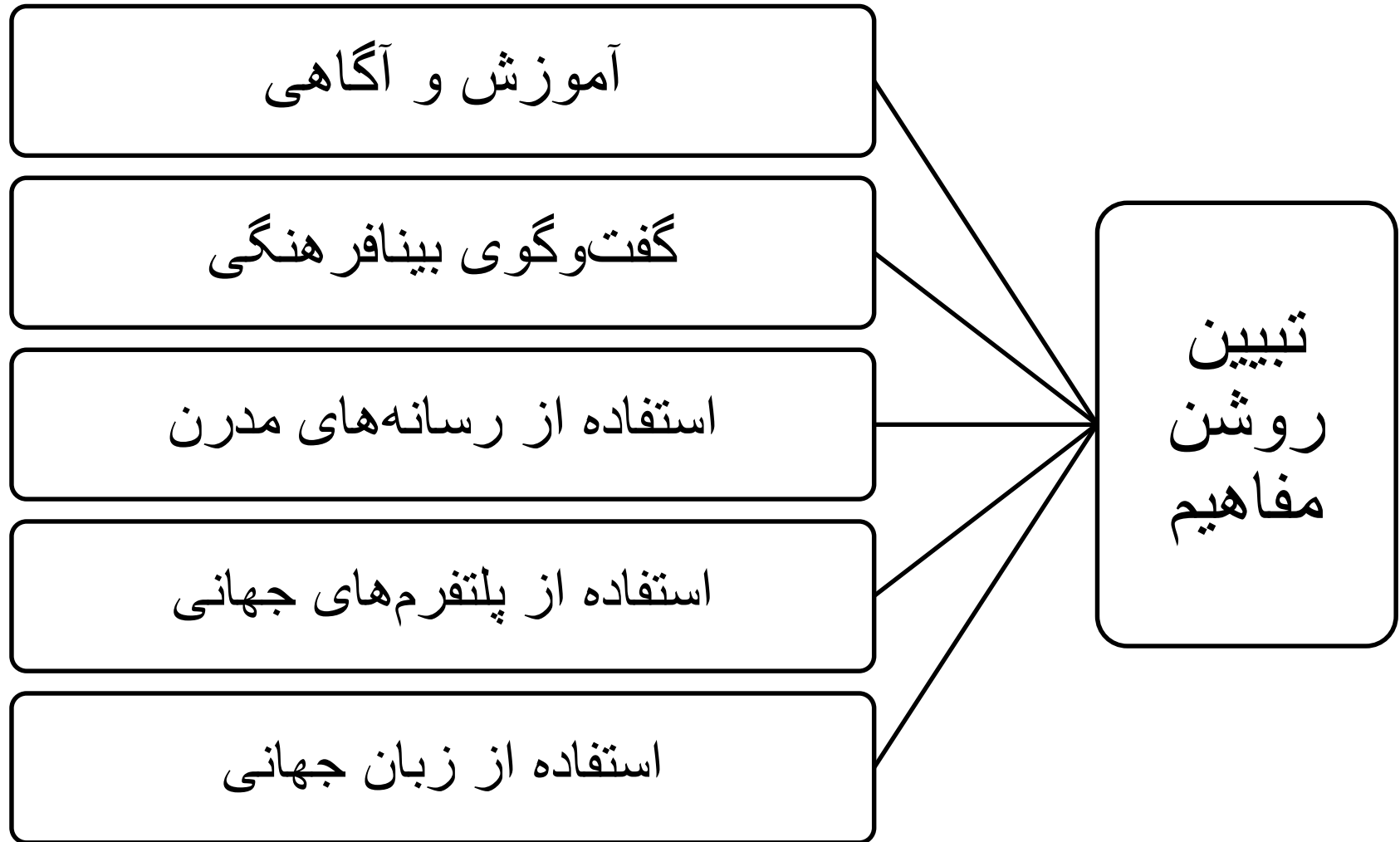
# معرفی عدالت اسلامی در جهان

تبیین روشن  
مفاهیم

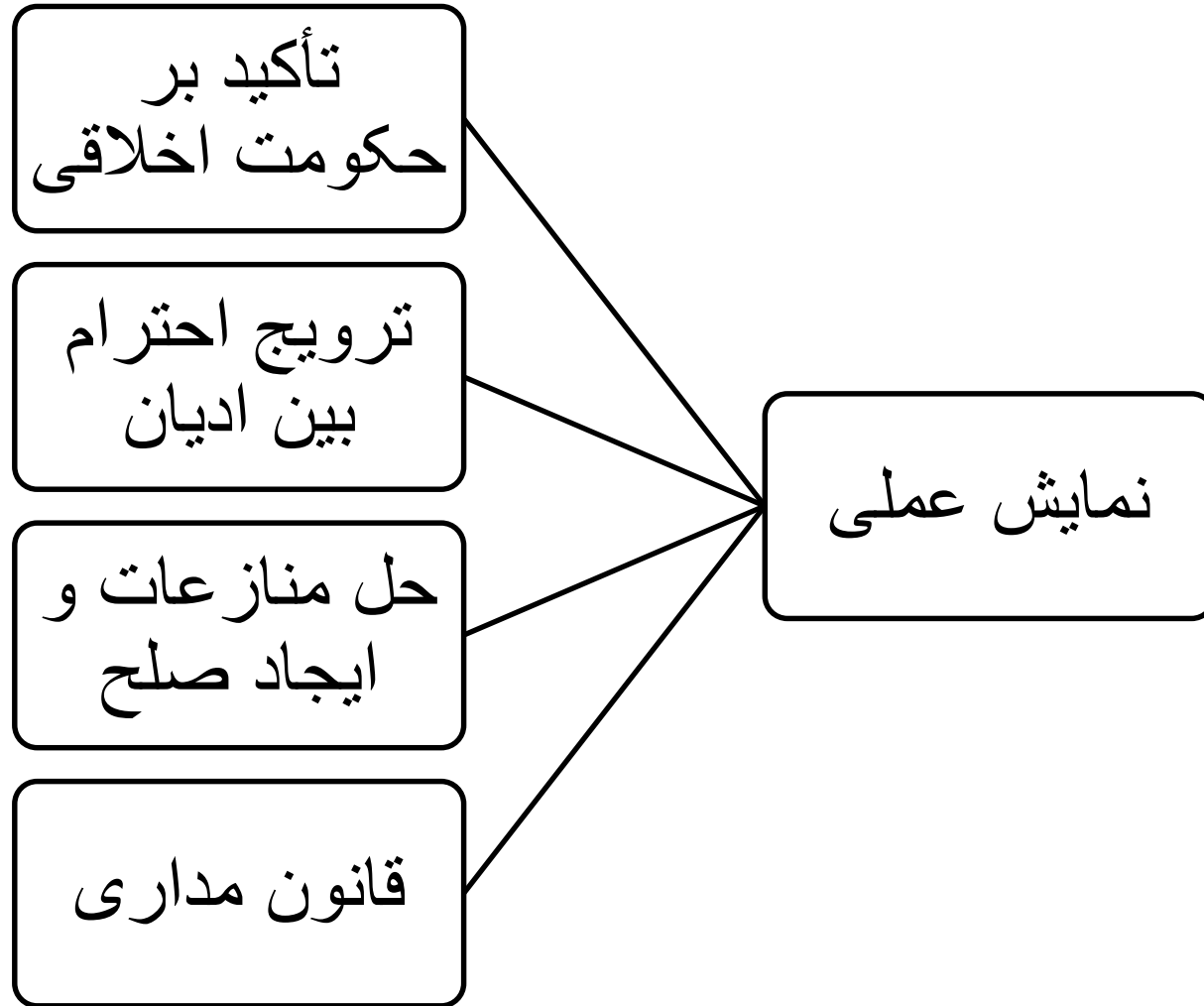
نمایش عملی

معرفی عدالت  
اسلامی در جهان

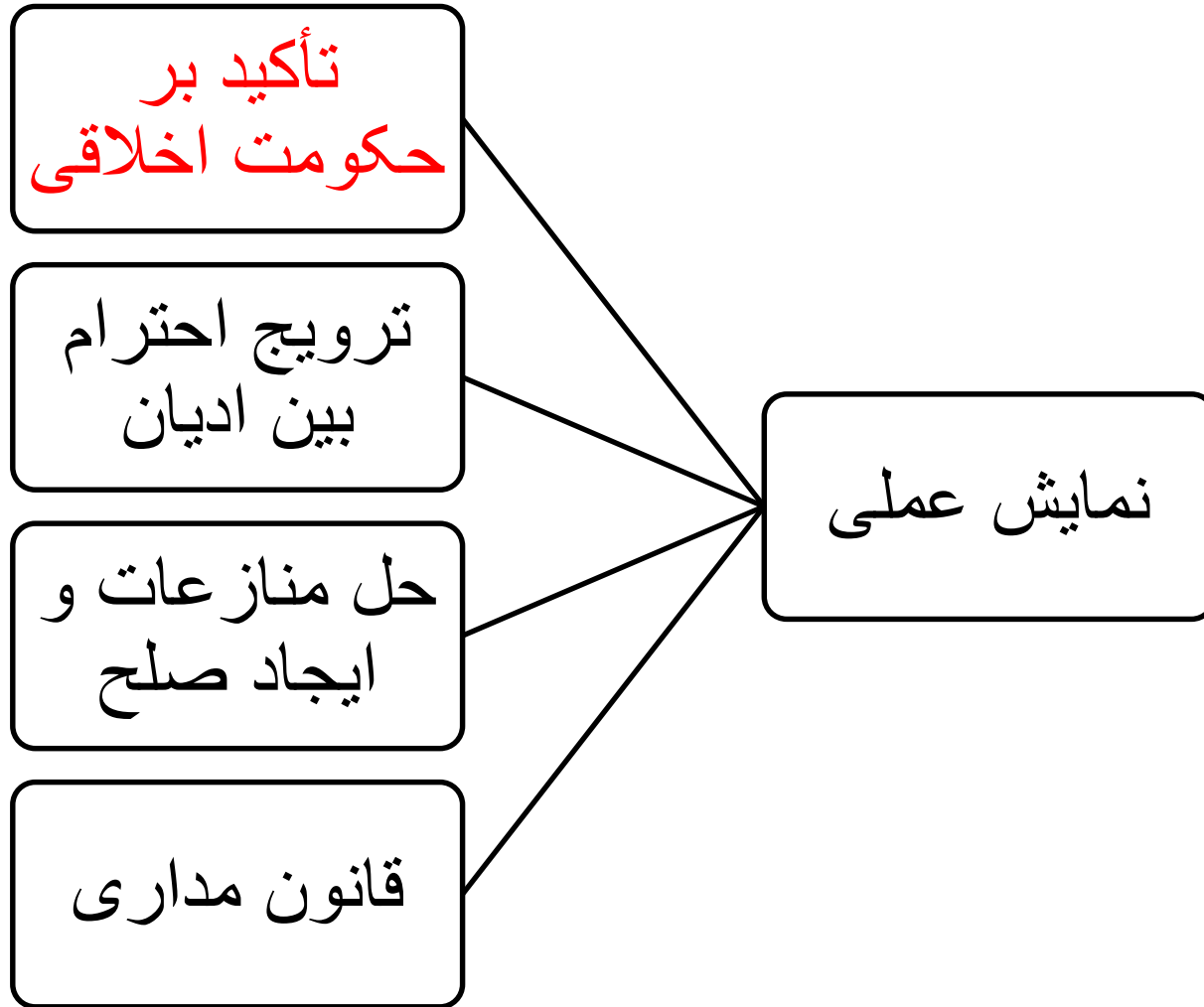
# معرفی عدالت اسلامی در جهان



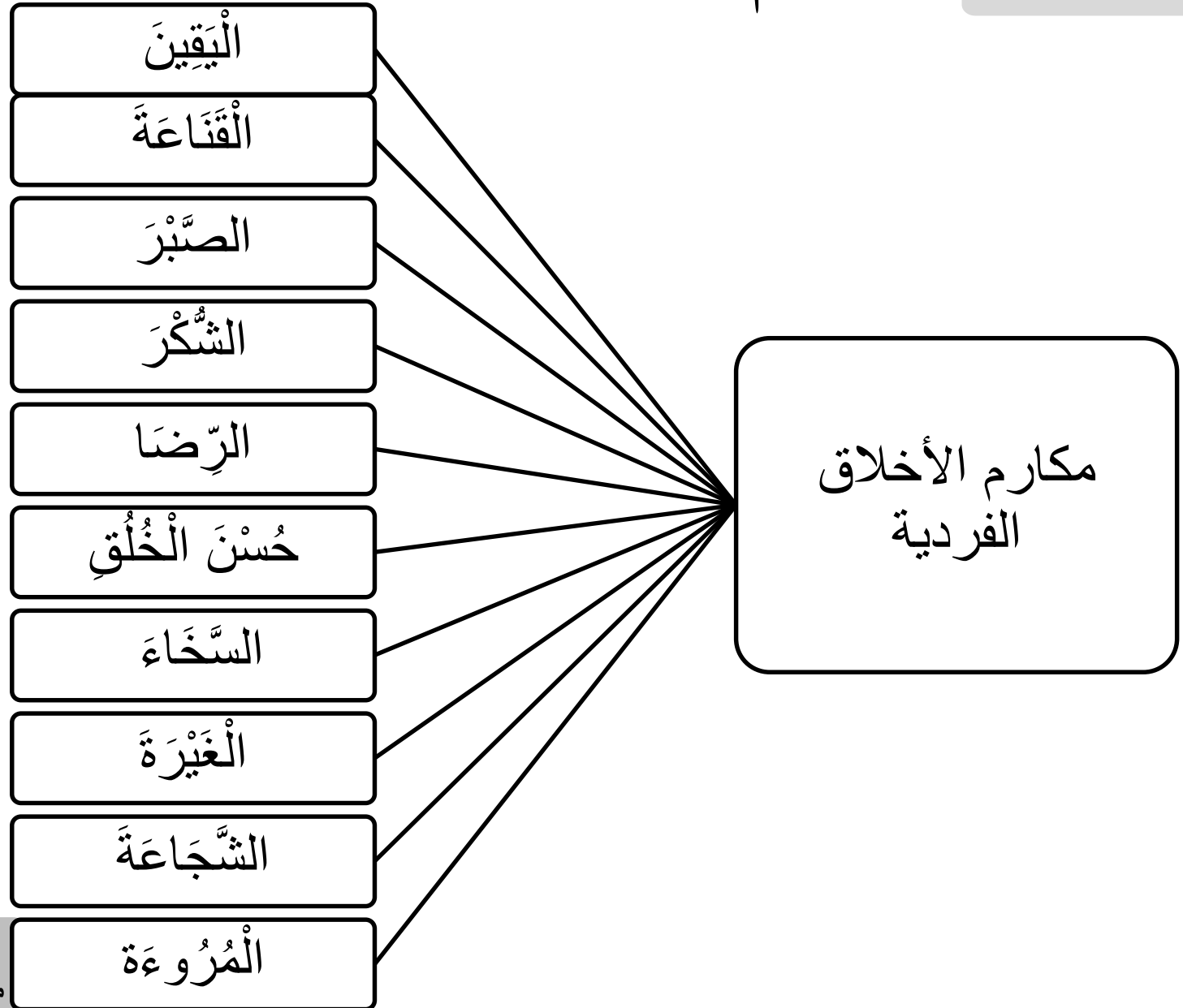
## معرفی عدالت اسلامی در جهان



## معرفی عدالت اسلامی در جهان



# مكارم الأخلاق الفردية



## مكارم الأخلاق في السياسة الإسلامية

١. العدل: أساس الحكم

٢. الشورى والتشاور مع الأمة

٣. الرحمة والرفق بالرعية

٤. الصدق والأمانة

٥. النزاهة والزهد في أموال الدولة

٦. النصيحة والإصلاح

٧. العفو عند المقدرة

٨. الرفق بالمعارضين واحترام الرأي الآخر

٩. التقوى ومراقبة الله

١٠. الشفافية والمحاسبة

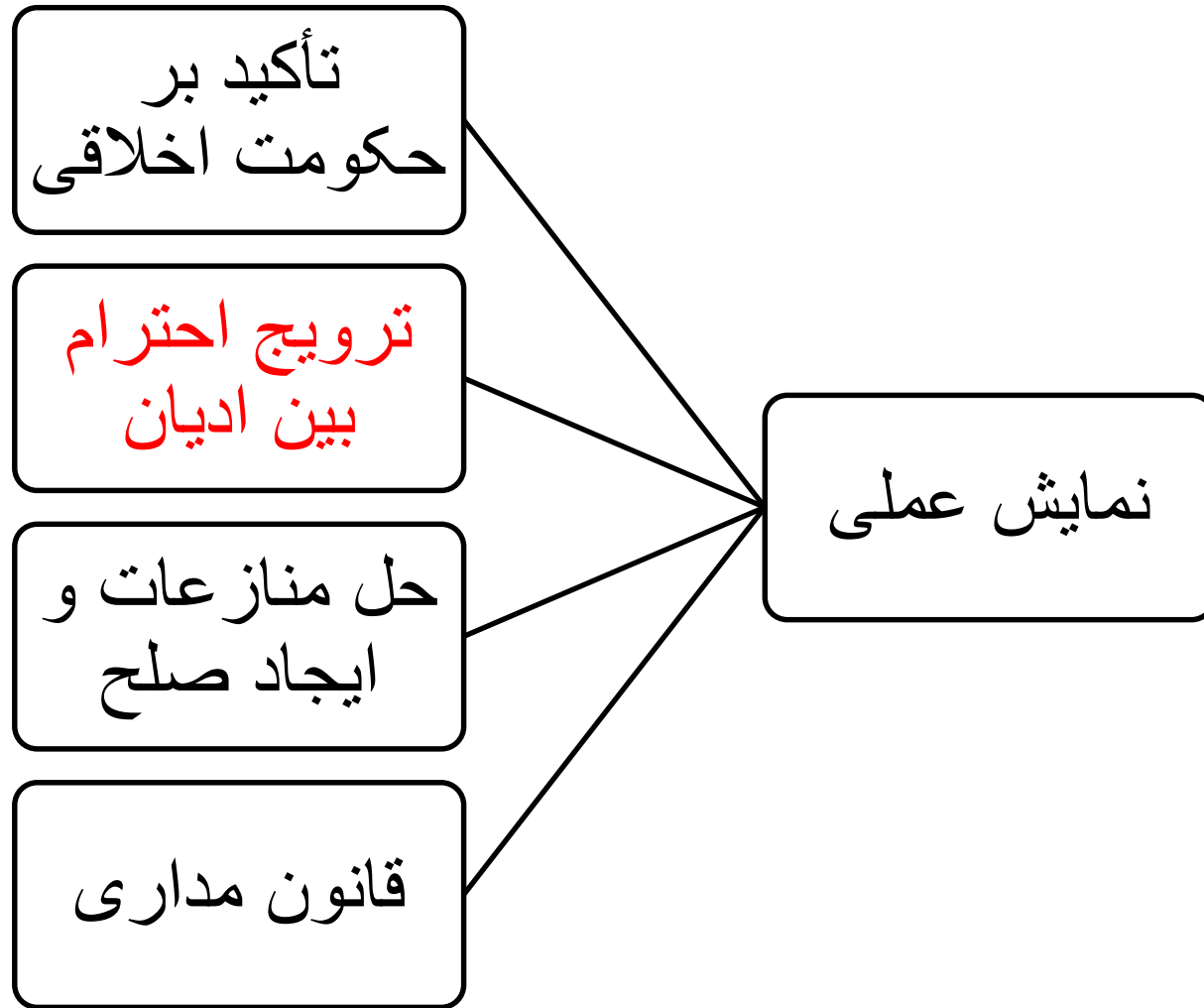
١١. المسؤولية والمساءلة

١٢. حفظ الكرامة الإنسانية

١٣. الصبر والحلم و التواضع

١٤. الوفاء بالعهود

## معرفی عدالت اسلامی در جهان



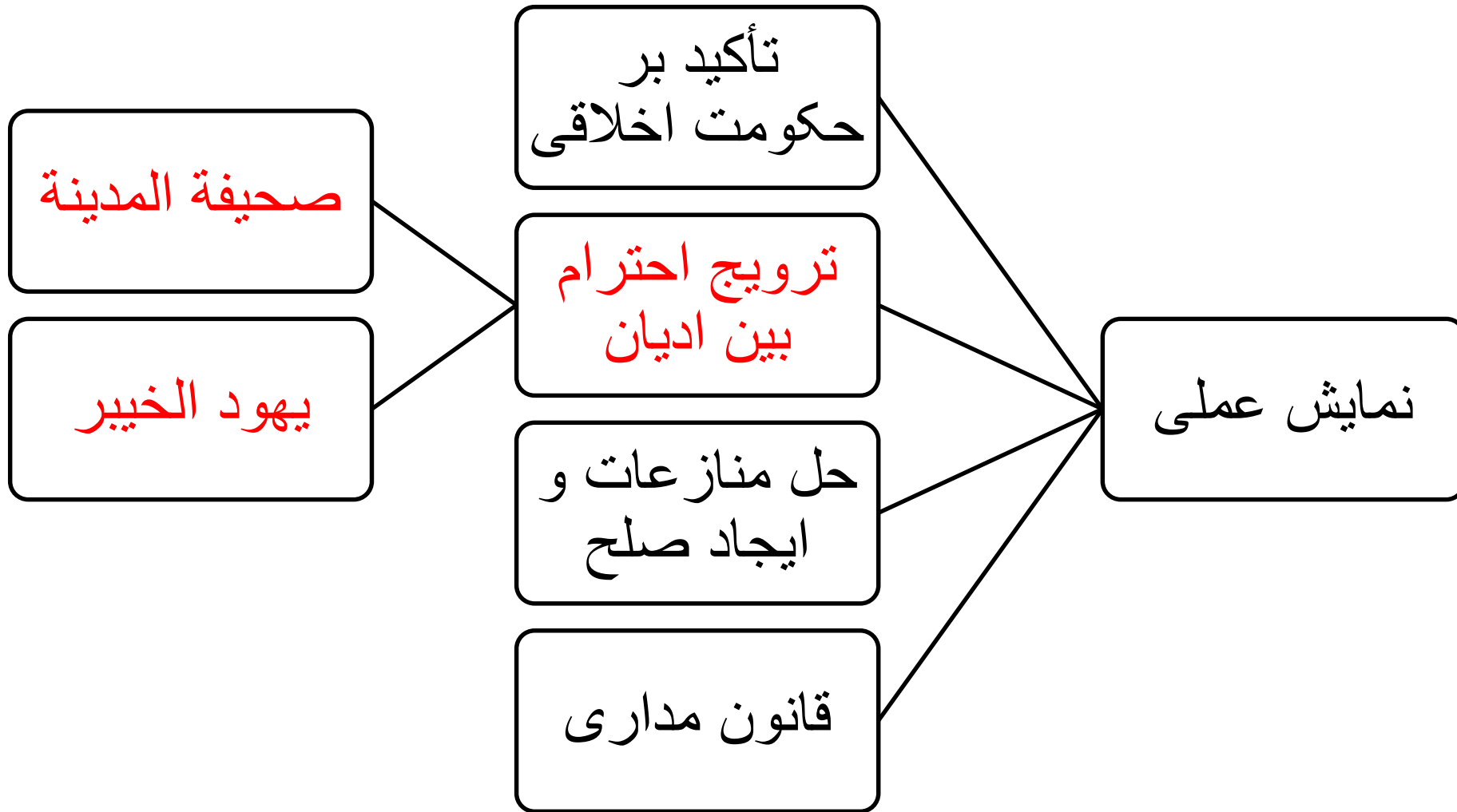
## معرفی عدالت اسلامی به جهان

- ترویج احترام بین ادیان: برجسته کنید که چگونه عدالت اسلامی از رفتار منصفانه و احترام به همه ادیان حمایت می‌کند و همزیستی مسالمت‌آمیز را در جوامع متنوع پرورش می‌دهد.

## معرفی عدالت اسلامی به جهان

- گفتگوی بین ادیان و شمول: ترویج عدالت اسلامی
- به عنوان عدالتی که شامل همه ادیان می شود، از آزادی مذهبی و حمایت از اقلیت ها حمایت می کند و احترام بین ادیان و همزیستی مسالمت آمیز را پرورش می دهد.

## معرفی عدالت اسلامی در جهان



• وَفِي وَفْدِ نَصَارِي نَجْرَانَ نَزَلَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: {إِنْ مَثَلُ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ} \* الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ \* فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ} (آل عمران ٥٩ : ٦١)

## نصارای نجران

- وقال الواحدی : "قال المفسرون: قدم وفد نجران، وكانوا ستین راكباً على رسول الله صلى الله عليه وسلم، وفيهم أربعة عشر رجلاً من أشرافهم، وفي الأربعة عشر ثلاثة نفر إليهم يؤول أمرهم، فالعاقب أمير القوم وصاحب مشورتهم الذي لا يصدر عن إلا عن رأيه، واسمه عبد المسيح، والسيد إمامهم وصاحب رحلهم واسمه الأيهم، وأبو حارثة بن علقمة أسقفهم وخبيرهم وإمامهم وصاحب مدارسهم، وكان شرف فيهم ودرس كتبهم حتى حسن علمه في دينهم، وكانت ملوك الروم قد شرفوه ومولوه وبنوا له الكنائس لعلمه واجتهاده.

- فقدموا على رسول الله صلى الله عليه وسلم ودخلوا مسجده حين صلى العصر عليهم ثياب الحبرات (ثياب يمانية)، جباب وأردية في جمال رجال الحارث بن كعب، يقول من رآهم من أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم: ما رأينا وفداً مثلهم، وقد حانت صلاتهم فقاموا فصلوا في مسجد رسول الله، فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: دعوهم. فصلوا إلى المشرق.

- فکلم السید والعاقب رسولَ الله صلی الله علیه وسلم فقال لهما رسولُ الله صلی الله علیه وسلم: أسلما، فقالا: قد أسلمنا قبلك، قال: کذبتما، منعكما من الإسلام دعاؤكما لله ولداً، وعبادتكما الصليب، وأکلکما الخنزير، قالا: إن لم یکن عیسی ولداً لله فمن أبوه؟ وخاصموه جميعاً فی عیسی،

- فقال لهما النبی صلی اللہ علیہ وسلم: أَلَسْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَا يَكُونُ وَلَدٌ إِلَّا وَيُشْبِهُ أَبَاهُ؟ قَالُوا: بَلَى! قَالَ: أَلَسْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّ رَبَّنَا قِيمٌ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ يَحْفَظُهُ وَيَرْزُقُهُ؟ قَالُوا: بَلَى! قَالَ: فَهَلْ يَمْلِكُ عِيسَى مِنْ ذَلِكَ شَيْئاً؟ قَالُوا: لَا، قَالَ: فَإِنْ رَبَّنَا صُورَ عِيسَى فِي الرَّحِمِ كَيْفَ شَاءَ، وَرَبَّنَا لَا يَأْكُلُ وَلَا يَشْرَبُ وَلَا يُحْدِثُ، قَالُوا: بَلَى! قَالَ: أَلَسْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّ عِيسَى حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كَمَا تَحْمَلُ الْمَرْأَةُ ثُمَّ وَضَعَتْهُ كَمَا تَضَعُ الْمَرْأَةُ وَلَدَهَا، ثُمَّ غُذِيَ كَمَا يُغْذَى الصَّبِيُّ، ثُمَّ كَانَ يَطْعَمُ وَيَشْرَبُ وَيُحْدِثُ؟ قَالُوا: بَلَى! قَالَ: فَكَيْفَ يَكُونُ هَذَا كَمَا زَعَمْتُمْ؟ فَسَكْتُوا،

- فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِمْ صَدْرَ سُورَةٍ آلِ عِمْرَانَ إِلَى بَضْعَةٍ وَثَمَانِينَ آيَةً مِنْهَا.

- وهذا الحوار بين النبي صلى الله عليه وسلم ووفد نصارى نجران الذى ذكره الواحدى فى "أسباب النزول" نقله كثير من العلماء فى كتبهم من غير نكير، كابن تيمية فى "الجواب الصحيح"، وابن حجر فى كتابه "العُجَاب فى بيانِ الأسباب"، وذكرته كذلك كثير من كتب التفسير والسير، الأمر الذى يدل على قبول المعنى والمضمون، وأما ثبوت النسبة إلى النبي صلى الله عليه وسلم فهو محل تضعيف للعلماء.

- وقد روى مسلم في صحيحه عن سعد بن أبي وقاص رضي الله عنه أنه قال: (ولما نزلت هذه الآية: {فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ} (آل عمران: ٦١) دعا رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم علياً وفاطمة وحسناً وحسيناً فقال: اللهم! هؤلاء أهلي).

- نَجْران شهری مرزی است در جزیره العرب که مابین حجاز و یمن واقع شده و در دوران قبل از اسلام، جمعیتی بسیار از مسیحیان در آنجا سکونت گزیده بودند.

- مسیحیانی که در واقعه مباحله از آنان یاد شده است، ساکن نجران یمن بودند که با قبول جزیه در پناه اسلام در آمدند و تا زمان خلافت عمر، در همانجا سکونت کردند.

- عمر، بنا به روایتی که ابو عبیده نقل می کرد که آخرین سخن پیغمبر (ص) این بود: یهود را از حجاز و اهل نجران را از شبه جزیره بیرون کنید.» - ایشان را در قرن هفتم میلادی اخراج کرد و در عراق مابین «کوفه» و «واسط» سکونت داد، همان جایی که از این تاریخ به بعد به نام نجران یا نجران عراق معروف گردید

- از عبارت یاقوت حموی در «معجم البلدان» فهمیده می‌شود که نجران نام دو مکان بوده است؛ یکی در شبه جزیره عربستان در حوالی یمن (مرز حجاز و یمن)، و دیگری در عراق بین کوفه و واسط. در زمان گذشته که با کاروان سفر می‌شد، از آنجا تا کوفه مسافتی به مقدار دو روز راه بود.

## روایت ابو عبیدہ

- بررسی منابع و سند روایت:
- این روایت در منابع معتبر اهل سنت مانند صحیح بخاری و صحیح مسلم آمده است. به طور خاص:
- ۱. در صحیح بخاری (کتاب الجهاد، باب اخراج الیهود من الحجاز) این روایت ذکر شده است.
- ۲. در صحیح مسلم نیز مشابه این روایت وجود دارد.

## روایت ابو عبیدہ

- متن روایت:
- متن روایت در منابع مختلف کمی تفاوت دارد، اما محتوای اصلی درباره اخراج یهودیان از حجاز و مسیحیان نجران از شبه جزیره عربستان است.

## روایت ابو عبیدہ

• الفاظ روایت در صحیح بخاری:

• اللفظ الأول (الأشهر):

• عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: لَمَّا تُوْفِيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ أَوَّلُ مَنْ جَاهَدَ بِهِ أَبُو عُبَيْدَةَ بْنُ الْجَرَّاحِ، فَقَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: "أَخْرِجُوا الْمُشْرِكِينَ مِنْ جَزِيرَةِ الْعَرَبِ".

## روایت ابو عبیدہ

- ترجمہ: از عبد اللہ بن عباس روایت است کہ گفت: عمر گفت: ہنگامی کہ رسول خدا (ص) وفات یافت، اولین کسی کہ بر اساس آن (سخن پیامبر) جہاد کرد، ابو عبیدہ بن جراح بود. او گفت: از رسول خدا (ص) شنیدم کہ می فرمود: "مشرکان را از جزیرۃ العرب بیرون کنید."

- نکته بسیار مهم:
- همان طور که مشاهده می‌کنید، در صحیح بخاری، الفاظ روایت "أُخْرِجُوا الْمُشْرِكِينَ مِنْ جَزِيرَةِ الْعَرَبِ" (مشرکان را از جزیره العرب بیرون کنید) است و اشاره‌ای به یهود حجاز یا اهل نجران به طور مشخص ندارد.

## روایت ابو عبیدہ

- منبع روایت با ذکر یهود و نجران:
- روایتی که در آن ذکر یهود و نجران است، معمولاً به صورت تلفیقی از دو دستور جداگانه از پیامبر (ص) در منابع تاریخی و کتاب‌های سیره نقل می‌شود:

- ۱. دستور اخراج یهود از حجاز: این بخش در صحیح بخاری (کتاب الجهاد و السیر، باب إخراج اليهود من الحجاز) از ابن عباس نقل شده است:
- أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، لَمَّا تَأَذَّى بِأَهْلِ الْحِجَازِ، ذَكَرَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: "لَا تُخْرِجَنَّ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى مِنْ جَزِيرَةِ الْعَرَبِ..."

- ترجمہ: عمر بن خطاب ہنگامی کہ از اہل حجاز آزار دید، گفت کہ رسول خدا (ص) فرمودہ بود: "قطعاً یہود و نصاری را از جزیرۃ العرب بیرون خواہم کرد..."

- ۲. دستور مربوط به اهل نجران: این بخش نیز در صحیح بخاری (باب المغازی، باب وفد نجران) آمده است.

## روایت ابو عبیدہ

- جمع بندی:
- متن عربی اصلی روایت ابو عبیدہ که در صحیح بخاری آمده، به طور کلی در مورد اخراج مشرکان است.

- آنچه شما نقل کردید ("یهود را از حجاز و اهل نجران را از شبه جزیره بیرون کنید") احتمالاً خلاصه‌ای یا تلفیقی از چندین دستور پیامبر (ص) است که در کتب تاریخ و سیره، با استناد به احادیث مختلف (از جمله روایت ابو عبیده و دیگران) ذکر شده است.

- اعتبار سندی:

- از نظر سندی، این روایت در میان اهل سنت صحیح (معتبر) محسوب می شود زیرا در دو کتاب معتبر صحیح بخاری و صحیح مسلم نقل شده است.

- نکات مهم:
- این روایت در منابع شیعی با این سند و متن ذکر نشده است.
- برخی از علمای اهل سنت در مورد تفسیر و تطبیق این روایت با شرایط تاریخی اختلاف نظر دارند.
- این دستور پیامبر (ص) معمولاً در چارچوب شرایط خاص تاریخی و برای حفظ امنیت و وحدت جامعه اسلامی در آن زمان تفسیر می شود.

- جمع بندی:
- این روایت از نظر منابع اهل سنت در بالاترین سطح اعتبار قرار دارد، اما فهم دقیق آن نیازمند توجه به بافت تاریخی و شرایط زمانی صدور این سخن است.

مشکل خلیفه دوم با مسیحیان و یهودیان حجاز

- مشکل خلیفه دوم، عمر بن خطاب، با یهودیان و مسیحیان در حجاز را باید در چارچوب سیاست کلی پیامبر(ص) در واپسین روزهای زندگی ایشان و همچنین ملاحظات امنیتی، سیاسی و هویتی دولت نوپای اسلامی فهمید.

## مشکل خلیفه دوم با مسیحیان و یهودیان حجاز

- به ادعای منابع اهل سنت، این اقدام عمر یک تصمیم شخصی و سلیقه‌ای نبود، بلکه اجرای دستور صریح پیامبر (ص) بود که در احادیث معتبر (مانند صحیح بخاری و مسلم) نقل شده است. پیامبر (ص) در بستر بیماری و در آخرین روزهای حیات خویش فرمودند:
- "لا یبقین دینان بأرض العرب"
- "دو دین (مختلف) در سرزمین عربستان باقی نماند."

مشکل خلیفه دوم با مسیحیان و یهودیان حجاز

• یا به روایت دیگر:

- "أخرجوا المشركين من جزيرة العرب"
- "مشرکان را از جزیره العرب بیرون کنید."

مشکل خلیفه دوم با مسیحیان و یهودیان حجاز

- بر این اساس، به اعتقاد اهل سنت، مشکل عمر با غیرمسلمانان در حجاز را می‌توان در چند محور اصلی خلاصه کرد:

مشکل خلیفہ دوم با مسیحیان و یهودیان حجاز

• ۱. اجرای وصیت و دستور پیامبر (ص)

• عمر خود را موظف به اجرای دقیق دستورات به جا مانده از پیامبر (ص) می دانست. او بارها تأکید کرد که این دستور را از پیامبر شنیده و قصد دارد آن را به طور کامل اجرا کند.

## مشکل خلیفہ دوم با مسیحیان و یهودیان حجاز

- ۲. ایجاد وحدت دینی و هویتی
- • حجاز به عنوان "قلب امت اسلامی": عمر می خواست حجاز، به ویژه مکه و مدینه، به صورت نمادین و عینی، پایتخت هویتی و دینی جهان اسلام باشد. وجود جوامع غیرمسلمان در این مرکز، این هویت یکپارچه را مخدوش می کرد.

## مشکل خلیفه دوم با مسیحیان و یهودیان حجاز

- پایان سیستم "امت در کنار امت": در دوره پیامبر (ص)، یهودیان مدینه در ابتدا به عنوان بخشی از "امت" مدینه به حساب می آمدند، اما پس از نقض پیمان ها و دشمنی های آنان، این مدل به پایان رسید. عمر می خواست این روند را به نتیجه نهایی برساند.

مشکل خلیفه دوم با مسیحیان و یهودیان حجاز

- ۳. ملاحظات امنیتی
- تجربه تاریخی درگیری‌ها: جامعه یهودی مدینه (قبیله‌های بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه) بارها با مسلمانان درگیر شده و پیمان شکنی کرده بودند. عمر نمی‌خواست این جوامع به عنوان یک عنصر ناپایدار و بالقوه خطرناک در قلب دولت اسلامی باقی بمانند.

مشکل خلیفه دوم با مسیحیان و یهودیان حجاز

- ترس از توطئه و همکاری با دشمنان خارجی: با گسترش فتوحات اسلامی به سوی امپراتوری روم (بیزانس، که مسیحی بود) و ایران، این نگرانی وجود داشت که مسیحیان نجران یا یهودیان خیبر بتوانند با دشمنان خارجی همکاری و برای دولت اسلامی از درون مشکل ایجاد کنند.

مشکل خلیفه دوم با مسیحیان و یهودیان حجاز

- ۴. ایجاد یک "حرم امن" برای اسلام
- عمر و بسیاری از صحابه، "جزیره العرب" (شبه جزیره عربستان) را به عنوان حرم امن و اختصاصی اسلام می دیدند. همان طور که پیش از اسلام، قبایل عرب غیرمسلمان اجازه ورود به مکه را با حالت "احرام" داشتند، اکنون این منطقه باید تحت حاکمیت کامل اسلام قرار می گرفت.

## مشکل خلیفه دوم با مسیحیان و یهودیان حجاز

- نحوه اجرای این سیاست:
- این اخراج به معنی آزار و اذیت مذهبی در سراسر قلمرو اسلامی نبود. برای نمونه:
- یهودیان خیبر به سرزمین‌های تحت کنترل روم (مانند شام) کوچانده شدند.
- مسیحیان نجران به منطقه "الکوفه" در عراق امروزی فرستاده شدند و در آنجا زمین‌هایی به آنان داده شد و آزادی انجام مراسم دینی خود را داشتند.

## مشکل خلیفہ دوم با مسیحیان و یهودیان حجاز

- جمع بندی:
- از نظر اهل سنت، مشکل عمر با غیرمسلمانان در حجاز یک مسئله امنیتی صرف یا کینه شخصی نبود، بلکه یک سیاست حساب شده دینی-حکومتی بود که اهداف زیر را دنبال می کرد:

## مشکل خلیفہ دوم با مسیحیان و یهودیان حجاز

- • اجرای دستور پیامبر (ص)
- • تبدیل حجاز به مرکز نمادین و یکپارچه جهان اسلام
- • حذف تهدیدات امنیتی بالقوه از قلب حکومت
- • تعریف مرزهای هویتی "امت اسلامی"

## مشکل خلیفه دوم با مسیحیان و یهودیان حجاز

- این سیاست تنها در مورد "حجاز" اعمال شد و غیرمسلمانان در دیگر سرزمین‌های فتح‌شده (مانند شام، مصر و عراق) تحت قواعد "اهل ذمه" به زندگی خود ادامه دادند و در امان بودند.

## با مسیحیان نجران

- ۱. ورود هیئت مسیحی نجران به مدینه: ابتدا هیئتی از بزرگان و روحانیون مسیحی نجران برای گفتگو با پیامبر (ص) به مدینه آمدند.
- ۲. مناظره و گفتگو: بین آنان و پیامبر (ص) درباره حضرت عیسی (ع) و توحید گفتگویی مفصل صورت گرفت.

- ۳. پیشنهاد مباحله: هنگامی که بحث به نتیجه نرسید، آیه مباحله نازل شد و پیامبر (ص) پیشنهاد مباحله (زیر لعن و نفرین الهی قرار دادن طرف مقابل) را مطرح کردند.

- «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران: ۶۱)

## با مسیحیان نجران

- ۴. روز مباحله: در روز موعود، پیامبر (ص) تنها با نزدیکانش (حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام) آمدند. مسیحیان نجران وقتی این اخلاص و آمادگی پیامبر را دیدند، از مباحله ترسیدند و خودداری کردند.

- ۵. انعقاد پیمان: پس از خودداری مسیحیان از مباحله، آنان پیشنهاد دادند که با پیامبر (ص) صلح کنند و در ازای پرداخت جزیه، تحت حمایت حکومت اسلامی زندگی کنند. در این مرحله بود که پیامبر (ص) آن عهدنامه معروف را برای آنان نوشت که در آن حقوق و آزادی های مذهبی آنان تضمین شد.

## با مسیحیان نجران

- بنابراین، پیمان نجران نتیجه مستقیم واقعه مباحله بود. مباحله باعث شد مسیحیان نجران به صداقت و اخلاص پیامبر (ص) ایمان بیاورند (هرچند مسلمان نشدند) و حاضر شوند با ایشان پیمان همزیستی مسالمت آمیز امضا کنند.

«العهدۃ النبویۃ» «صحیفۃ النبی لاهل نجران»

• البتہ. مهم ترین سند تاریخی درباره پیمان پیامبر اکرم (ص) با مسیحیان نجران، نامه یا «عهدنامه» ای است که ایشان برای اسقف نجران صادر کردند. این متن در منابع معتبر تاریخی اسلامی ثبت شده است.

• مهم ترین این منابع عبارتند از:

## «العهد النبوی» «صحیفۃ النبی لاهل نجران»

- ۱. «السیرۃ النبویۃ» اثر ابن اسحاق (قرن دوم هجری) که قدیمی ترین زندگینامه پیامبر است و متن آن توسط ابن هشام در کتاب «السیرۃ النبویۃ» نقل شده است.
- ۲. «تاریخ الطبری» (تاریخ الامم و الملوک) اثر محمد بن جریر طبری (قرن سوم و چهارم هجری).
- ۳. «الاموال» اثر ابو عبید قاسم بن سلام (قرن سوم هجری) که به طور خاص به مسائل مالی و پیمانها می پردازد.

«العهد النبوی» «صحیفۃ النبی لاهل نجران»

• ۴. «مستدرک حاکم نیشابوری» (قرن چهارم هجری).

• ۵. «السنن الکبری» اثر بیهقی (قرن پنجم هجری).

## دعوته «ص» أساقفة نجران

- ٥- دعوته «ص» أساقفة نجران:
- «من محمد رسول الله إلى أساقفة نجران:
- بسم إله إبراهيم و إسحاق و يعقوب،
- أمّا بعد فإنّي أدعوكم إلى عبادة الله من عبادة العباد، و أدعوكم إلى ولاية الله من ولاية العباد. فإن أبيتُم فالجزية. و إن أبيتُم آذنتكم بحرب. و السلام.» «٢»
- (٢) - الوثائق السياسيّة / ١٧٤، الرقم ٩٣.

## «العہدۃ النبویۃ» «صحیفۃ النبی لاهل نجران»

- «العہدۃ النبویۃ» «صحیفۃ النبی لاهل نجران»
- «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ.
- هَذَا كِتَابٌ مِنْ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ، لِأَهْلِ نَجْرَانَ: إِنَّ لَهُمْ جِوَارَ  
اللّٰهِ وَذِمَّةَ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ، عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَمِلَّتِهِمْ وَأَرْضِهِمْ  
وَأَمْوَالِهِمْ وَغَائِبِهِمْ وَشَاهِدِهِمْ وَعَشِيرَتِهِمْ وَبَيْعِهِمْ وَكُلِّ مَا  
تَحْتَ أَيْدِيهِمْ، كَبِيرِهِ وَصَغِيرِهِ.

«العهد النبوي» «صحيفة النبي لاهل نجران»

• لَا يَغْيِرُ اسْقَفٍ مِنْ اسْقَفِيَّتِهِ، وَلَا رَاهِبٌ مِنْ رَهْبَانِيَّتِهِ، وَلَا  
وَأَقِفٌ مِنْ وَقْفِهِ.

• وَذَلِكَ فِي جَوَارِ اللَّهِ وَذِمَّةِ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ، **أَبَدًا** حَتَّى يَأْتِيَ  
اللَّهُ بِأَمْرِهِ، مَا أَصْلَحُوا وَنَصَحُوا عَلَيْهِمْ غَيْرَ مُكَلَّفِينَ بِظُلْمٍ  
وَلَا مَظْلُومِينَ.»

## «العهد النبوی» «صحیفۃ النبی لاهل نجران»

- «به نام خداوند بخشنده مهربان.
- این نوشته‌ای است از محمد پیامبر، برای مردم نجران: به درستی که آنان در پناه خداوند و ذمه (عهد و پیمان) محمد پیامبر هستند، بر جان‌ها، آیین، سرزمین، اموال، غایب و حاضر، قبیله و عشیره، کلیساها و هر آنچه در اختیار دارند، چه کوچک و چه بزرگ.

## «العهد النبوی» «صحیفۃ النبی لاهل نجران»

• هیچ اسقفی از مقام اسقفی‌اش برکنار نخواهد شد، و هیچ راهبی از راهبی‌اش، و هیچ متولی (وقف) از متولی‌گری‌اش.

• و این (پیمان) در پناه خداوند و ذمه محمد پیامبر، برای **همیشه** است تا زمانی که خدا فرمانش (قیامت) را بیاورد، تا زمانی که آنان درستکاری کنند و خیرخواهی نمایند (و به تعهدات خود پایبند باشند)، بدون اینکه مورد ستم قرار گیرند یا مجبور به ستم کردن شوند.»

## «العهد النبوی» «صحیفه النبی لاهل نجران»

- نکات کلیدی این پیمان:
- تضمین امنیت کامل: امنیت برای جان، مال، زمین، عزت و دارایی‌های آنان.

«العهدۃ النبویۃ» «صحیفۃ النبی لاهل نجران»

• آزادی مذهبی مطلق: تضمین می‌کند که مقامات مذهبی (اسقفان و راهبان) در موقعیت خود باقی می‌مانند و هیچ‌کس در انجام آیین خود آزادی نمی‌بیند.

• حفاظت از اماکن مذهبی: به صراحت از «کلیساهایشان» (بِیْعِهِمْ) نام برده و آن را تحت حمایت قرار می‌دهد.

«العهدۃ النبویۃ» «صحیفۃ النبی لاهل نجران»

• • پایدار بودن پیمان: این پیمان «برای همیشه» (أَبَدًا) است.

• • عدالت محوری: شرط پایبندی به پیمان این است که آنان درستکار باشند و در عین حال، تأکید می‌کند که نباید مورد ستم قرار گیرند یا مجبور به ستم شوند.

## «العهد النبوی» «صحیفۃ النبی لاهل نجران»

- این سند، نمونه‌ای درخشان از سیره عملی پیامبر (ص) در به رسمیت شناختن حقوق «اهل کتاب» و برقراری جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و همزیستی مسالمت‌آمیز است.

# تحلیل‌های "عهدنامه نبوی با مسیحیان نجران"

- الف) تحلیل و تفسیر در منابع اهل سنت
- منابع اهل سنت این عهدنامه را به عنوان سند تاریخی مهمی برای سیاست‌های پیامبر(ص) با اهل کتاب می‌دانند.

# تحلیل‌های "عهدنامه نبوی با مسیحیان نجران"

- ۱. استنادهای تاریخی:
- این عهدنامه در منابع معتبری ذکر شده است. مانند:
- السیره النبویه اثر ابن هشام
- السنن الکبری اثر البیهقی
- طبقات الکبری اثر ابن سعد
- تاریخ الطبری

# تحلیل‌های "عهدنامه نبوی با مسیحیان نجران"

- ۲. تفسیرهای کلیدی:
- ابن کثیر در "البدایة والنهاية" بر این نکته تأکید می‌کند که این پیمان، "ذمه" (پیمان حمایت) پیامبر است و نقض آن حرام است.
- بیهقی در "السنن الکبری" این عهد را نشانه‌ای از رحمت پیامبر (ص) برای همه مردم می‌داند.

# تحلیل‌های "عهدنامه نبوی با مسیحیان نجران"

- ماوردی در "الأحكام السلطانية" از این حدیث برای تعریف حقوق "اهل الذمه" استفاده می‌کند و می‌گوید:
- "هذا عقد أبدي لا يفسخ إلا بنقض أهله"
- (این پیمانی ابدی است که تنها با نقض خود طرف مقابل باطل می‌شود).

# تحلیل‌های "عهدنامه نبوی با مسیحیان نجران"

• ۳. تفسیر "حتی یأتی الله بأمره":

• • بیشتر مفسران اهل سنت مانند قرطبی این عبارت را به "قیامت" تفسیر کرده‌اند.

• • برخی نیز آن را به معنای حفظ پیمان تا زمانی می‌دانند که مسیحیان به تعهدات خود عمل کنند.

# تحلیل‌های "عهدنامه نبوی با مسیحیان نجران"

• (ب) تحلیل و تفسیر در منابع شیعه

• در منابع شیعه، این عهدنامه هم به عنوان سند تاریخی و هم به عنوان الگویی برای حکومت داری مورد تأکید قرار گرفته است.

# تحلیل‌های "عهدنامه نبوی با مسیحیان نجران"

- ۱. استنادهای حدیثی:
- شیخ صدوق در "کتاب الخصال" این حدیث را با سند خود نقل کرده است.
- علامه مجلسی در "بحارالانوار" این عهدنامه را در بخش "مکاتبات النبی (ص)" آورده است.
- سید بن طاووس در "الطرائف" به آن استناد کرده است.

# تحلیل‌های "عهدنامه نبوی با مسیحیان نجران"

• ۲. تفسیرهای کلیدی:

• • شیخ طوسی در "الاستبصار" از این حدیث برای اثبات حرمت تعرض به اموال وقفی اهل کتاب استفاده می‌کند.

• • علامه طباطبائی در "المیزان" با استناد به این حدیث می‌فرماید:

# تحلیل‌های "عهدنامه نبوی با مسیحیان نجران"

- "الاسلام یقر أهل الادیان علی ما هم علیہ مالم یحاربوا"
- (اسلام پیروان ادیان دیگر را بر دین خود باقی می‌گذارد، تا زمانی که به جنگ برنخیزند).

# تحلیل‌های "عهدنامه نبوی با مسیحیان نجران"

• ۳. نگاه حکومتی:

- امام خمینی (ره) در کتاب "ولایت فقیه" به این عهدنامه به عنوان نمونه‌ای از عدالت اسلامی و تعهد حکومت به پیمان‌ها اشاره می‌کند.
- آیت‌الله مکارم شیرازی در "تفسیر نمونه" این حدیث را دلیل بر آزادی ادیان در حکومت اسلامی می‌داند.

# تحلیل‌های "عهدنامه نبوی با مسیحیان نجران"

- (ج) وجوه مشترک تفسیری در بین سنی و شیعه
- وجه تفسیری شرح
- تأکید بر پایداری پیمان هر دو مذهب این عهد را "ابدی" می‌دانند مگر اینکه طرف مقابل آن را نقض کند.
- احترام به نهادهای مذهبی اسقف‌ها، راهب‌ها و وقف‌ها  
به عنوان نهادهای قانونی به رسمیت شناخته می‌شوند.

# تحلیل‌های "عهدنامه نبوی با مسیحیان نجران"

- ذمه به معنای مسئولیت "ذمه محمد" به معنای مسئولیت شخص پیامبر و پس از ایشان، حکومت اسلامی است.
- تضمین آزادی مذهبی این عهدنامه سند آزادی مذهبی برای پیروان ادیان در قلمرو اسلامی است.

# تحلیل‌های "عهدنامه نبوی با مسیحیان نجران"

- نتیجه‌گیری نهایی
- این عبارت در هر دو سنت فکری به عنوان:
- ۱. سند حقوقی برای تنظیم رابطه حکومت اسلامی با غیرمسلمانان
- ۲. مبنای فقهی برای احکام اهل ذمه
- ۳. الگوی اخلاقی برای رفتار با پیروان ادیان دیگر
- مورد توجه قرار گرفته است.

# تحلیل‌های "عهدنامه نبوی با مسیحیان نجران"

- تفاوت تفسیری میان سنی و شیعه در این مورد بسیار اندک است و هر دو بر جنبه‌های حقوقی، اخلاقی و سیاسی این عهدنامه تأکید دارند.

## بررسی تطبیقی بین سیره نبوی و سیره خلیفه دوم در برخورد با اهل کتاب

- پاسخ کلی این است که بر اساس منابع تاریخی معتبر، رفتار خلیفه دوم (عمر بن خطاب) با مسیحیان نجران و یهودیان خیبر، با متن و روح پیمان‌های پیامبر(ص) هماهنگی نداشت. در ادامه، به طور جداگانه هر دو مورد را بررسی می‌کنیم.

# بررسی تطبیقی بین سیره نبوی و سیره خلیفه دوم در برخورد با اهل کتاب

- ۱. مورد مسیحیان نجران: تبعید از شهر و شکستن پیمان
- الف) پیمان پیامبر (ص):
- پیامبر در "عهدنامه نجران" به صراحت بیان کردند:
- هیچ اسقف، راهب یا متولی وقفی از موقعیت خود عزل نمی شود.
- این پیمان تحت ذمه خدا و رسول، ابدی است (حَتَّى يَأْتِيَ  
بِاللَّهِ بِأَمْرِهِ).

# بررسی تطبیقی بین سیره نبوی و سیره خلیفه دوم در برخورد با اهل کتاب

- (ب) اقدام خلیفه دوم:
- طبق منابع تاریخی معتبر (مانند تاریخ الطبری، الکامل فی التاریخ ابن اثیر، انساب الاشراف بلاذری)، خلیفه دوم، مسیحیان نجران را مجبور به ترک دیار خود و تبعید به عراق کرد.

# بررسی تطبیقی بین سیره نبوی و سیره خلیفه دوم در برخورد با اهل کتاب

• دلایل عمر برای این اقدام:

- او استدلال می‌کرد که با گسترش اسلام، حضور جمعیت بزرگ مسیحی در قلب سرزمین حجاز (نجران در یمن) را خطری برای امنیت مسلمانان می‌دانست.
- به آنان گفت: "إِنَّ الْأَرْضَ قَدْ أُعْظِمَكُمْ، وَقَدْ خَفْتُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ مِنْكُمْ" (این سرزمین [حجاز] شما را بزرگ کرده است و من بر مسلمانان از [شر] شما می‌ترسم).

## بررسی تطبیقی بین سیره نبوی و سیره خلیفه دوم در برخورد با اهل کتاب

- ۲. مورد یهودیان خیبر: اخراج از سرزمین‌های کشاورزی
- الف) پیمان پیامبر(ص) با یهودیان خیبر:
- پس از فتح خیبر، پیامبر(ص) اجازه دادند یهودیان در زمین‌های خود بمانند و به کشاورزی ادامه دهند، در ازای آنکه نصف محصول را به حکومت اسلامی بدهند. این مدل، معروف به "مقاسمه" بود و یک پیمان همزیستی اقتصادی-اجتماعی ایجاد کرد.

## بررسی تطبیقی بین سیره نبوی و سیره خلیفه دوم در برخورد با اهل کتاب

• (ب) اقدام خلیفه دوم:

• عمر بن خطاب، یهودیان خیبر (و همچنین یهودیان فدک و وادی القری) را به طور کامل تبعید کرد. او استدلال کرد که به حدیثی از پیامبر (ص) استناد کرده که فرمودند: "لا یجتمع دینان فی جزیرۃ العرب" (دو دین در جزیرۃ العرب جمع نمی‌شوند).

## بررسی تطبیقی بین سیره نبوی و سیره خلیفه دوم در برخورد با اهل کتاب

• (ج) تحلیل تطبیق با پیمان پیامبر:

- تعارض دو نص: در اینجا یک تعارض ظاهری پیش می‌آید: از یک سو پیمان پیامبر با یهودیان خیر مبنی بر ماندن آنان، و از سوی دیگر حدیث "لا یجتمع دینان".
- راه حل عمر: عمر، حدیث "لا یجتمع دینان" را مقدم بر پیمان خاص خیر دانست و اقدام به تبعید کرد.

# بررسی تطبیقی بین سیره نبوی و سیره خلیفه دوم در برخورد با اهل کتاب

• • تحلیل فقهی - تاریخی:

- بسیاری از مورخان و فقها معتقدند حدیث "لا یجتمع دینان" یک حکم کلی است و پیمان خیبر یک استثنا و مصلحت سنجی توسط خود پیامبر (ص) بود.

## بررسی تطبیقی بین سیره نبوی و سیره خلیفه دوم در برخورد با اهل کتاب

- بنابراین، اقدام عمر در واقع نسخ یک سیره عملی پیامبر با یک حدیث عام بود.
- این اقدام نیز مانند مورد نجران، بر اساس تفسیر امنیتی و حاکمیتی عمر صورت گرفت.

# بررسی تطبیقی بین سیره نبوی و سیره خلیفه دوم در برخورد با اهل کتاب

- جمع‌بندی نهایی و دیدگاه‌های مختلف

- موضوع سیره پیامبر (ص) سیره خلیفه دوم تطابق؟

- مسیحیان نجران پیمان ابدی برای ماندن و حفظ نهادها

تبعید به عراق به دلایل امنیتی خیر - نقض صریح پیمان

- یهودیان خیر پیمان ماندن و مشارکت اقتصادی (مقاسمه)

تبعید به شام با استناد به حدیث "لا یجتمع دینان" خیر -

ترجیح حدیث عام بر سیره عملی پیامبر

# بررسی تطبیقی بین سیره نبوی و سیره خلیفه دوم در برخورد با اهل کتاب

• نتیجه گیری:

- بر اساس شواهد تاریخی، رفتار خلیفه دوم با این دو جامعه، با پیمان‌های مستقیم و سیره عملی پیامبر (ص) همخوانی نداشت. عمر بن خطاب با تقدم مصلحت نظام و امنیت حکومت اسلامی به شکلی که خود تفسیر می‌کرد، اقدام به نقض این پیمان‌ها کرد.

## بررسی تطبیقی بین سیره نبوی و سیره خلیفه دوم در برخورد با اهل کتاب

- این اقدام، به اعتقاد اهل سنت اگرچه از جانب خلیفه دوم با نیت خیر و برای صیانت از کیان اسلام انجام شد، اما از منظر وفای به عهد و احترام به پیمان‌های نبوی، قابل نقد جدی است.

# بررسی تطبیقی بین سیره نبوی و سیره خلیفه دوم در برخورد با اهل کتاب

- این موضوع، یک مناقشه تاریخی-فقهی مهم است که نشان می‌دهد حتی در صدر اسلام نیز بین "تعهد به پیمان" و "مصلحت نظام" تعارض پیش می‌آمده و راه‌حل‌های متفاوتی برای آن ارائه شده است.

## إِخْرَاجُ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى مِنْ جَزِيرَةِ الْعَرَبِ

- ٤٣ بَابُ أَنَّهُ يَنْبَغِي إِخْرَاجُ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى مِنْ جَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَ الْوُصَاةَ بِالْمُسْلِمِينَ مِنَ الْقُبُطِ وَ بَقْرِيَشٍ وَ الْعَرَبِ وَ الْمَوَالِي وَ كَرَاهَةُ مُسَاكِنَةِ الْخُوزِ وَ مُنَاكَحَتِهِمْ
- ١٢٥٣٢ - ١ دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: لَا يَدْخُلُ أَهْلُ الذِّمَّةِ الْحَرَمَ وَ لَا دَارَ الْهَجْرَةِ وَ يَخْرُجُونَ مِنْهَا

إِخْرَاجُ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى مِنْ جَزِيرَةِ الْعَرَبِ

وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ  
مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ  
أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ  
فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا **حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ**  
**بِأَمْرِهِ** إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

# إِخْرَاجُ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى مِنْ جَزِيرَةِ الْعَرَبِ

• ۱۲۵۳۳ - ۲ تفسیر الإمام، ع قال: وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا عَنْ جَهْلِهِمْ وَقَابِلُوهُمْ بِحُجَجِ اللَّهِ وَادْفَعُوا بِهَا أَبَاطِيلَهُمْ حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ فِيهِمْ بِالْقَتْلِ يَوْمَ [فَتْحِ] مَكَّةَ فحِينَئِذٍ تَجْلُونَهُمْ مِنْ بَلَدِ مَكَّةَ وَ مِنْ جَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَ لَا تَقْرُونُ بِهَا كَافِرًا

## حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهَ بِأَمْرِهِ

- و قَالَ بَن عَبَاس: ان قولة: «فَاعْفُوا وَ اصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهَ بِأَمْرِهِ» منسوخة بقوله: «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» «سورة التوبة: آية ٥». و قَالَ قَتَادَةُ نَسَخَتْ بِقَوْلِهِ:

- «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ» الْآيَةُ. وَ بِهِ قَالَ الرَّبِيعُ وَ السَّدِيُّ.

## حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهَ بِأَمْرِهِ

- و روى عن أبى جعفر محمد بن على: انه قال: لم يؤمر رسول الله (ص) بقتل، و لا اذن له فيه حتى نزل جبرائيل (ع) بهذه الآية «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا» «سورة الحج: آية ٣٩» و قلده سيفاً.
- و قوله: «حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهَ بِأَمْرِهِ» قال ابو على: (بامره) لكم يعاقبهم او يعافيه هو على ذلك، ثم اتى بامره فقال: (قاتلوا الذين لا يؤمنون بالله) «١»

## حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهَ بِأَمْرِهِ

• قوله تعالى: فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا، قالوا: إنها آية منسوخة بآية القتال.

• قوله تعالى: حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهَ بِأَمْرِهِ، فيه كما مر إيماء إلى حكم سيشرعه الله تعالى في حقهم، وَنَظِيرُهُ قَوْلُهُ تَعَالَى: فِي الْآيَةِ الْآتِيَةِ «أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ»، مع قوله تعالى: «إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا»: التَّوْبَةُ - ٢٩، وَ سَيَأْتِي الْكَلَامُ فِي مَعْنَى الْأَمْرِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي»: إِسْرَاء - ٨٥.

حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهَ بِأَمْرِهِ

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَ  
 أَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا  
 وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ  
 تُرَضُّونَهَا أَحَبُّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ  
 جِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا **حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهَ**  
**بِأَمْرِهِ** وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهَ بِأَمْرِهِ

• و قال مجاهد قوله «حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهَ بِأَمْرِهِ» من عقوبة عاجلة أو آجلة. و قوله «وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» معناه إنه لا يهديهم الى الثواب و الجنة لأنه تعالى قد هداهم الى الايمان فقال «وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى» «١».

• (١) سورة ٤١ حم السجدة (فصلت) آية ١٧

حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهَ بِأَمْرِهِ

- فقولُه في الجزاء: «فَتَرْبُصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهَ بِأَمْرِهِ» لا محالة إما أمر يتدارك به ما عرض على الدين من ثلمة و سقوط غرض في ظرف مخالفتهم، و إما عذاب يأتيهم عن مخالفة أمر الله و رسوله و الإعراض عن الجهاد في سبيله.